



دلنوشته

تو همان شعری هستی که در دل هر عاشق جا دارد و من، شاعر بی‌نوا، در جستجوی قافیه‌های توام.

علی برادر خدام خسروشاهی



Des by Richette



www.taakroman.ir



دلنوشته تینار



به قلم: علی برادر خدام خسروشاهی

«منبع تایپ و دانلود: سایت و انجمن تک رمان»



شناسنامه کتاب:

دسته بندی: دلنوشته

نام دلنوشته: تینار

معنی نام: گویش مازندرانی به معنی تنها و در گویش ترکی

به معنی امید و پشتیبان

نام نویسنده: علی برادر خدام خسروشاهی

ژانر: عاشقانه

ویراستار: Lunika ❖

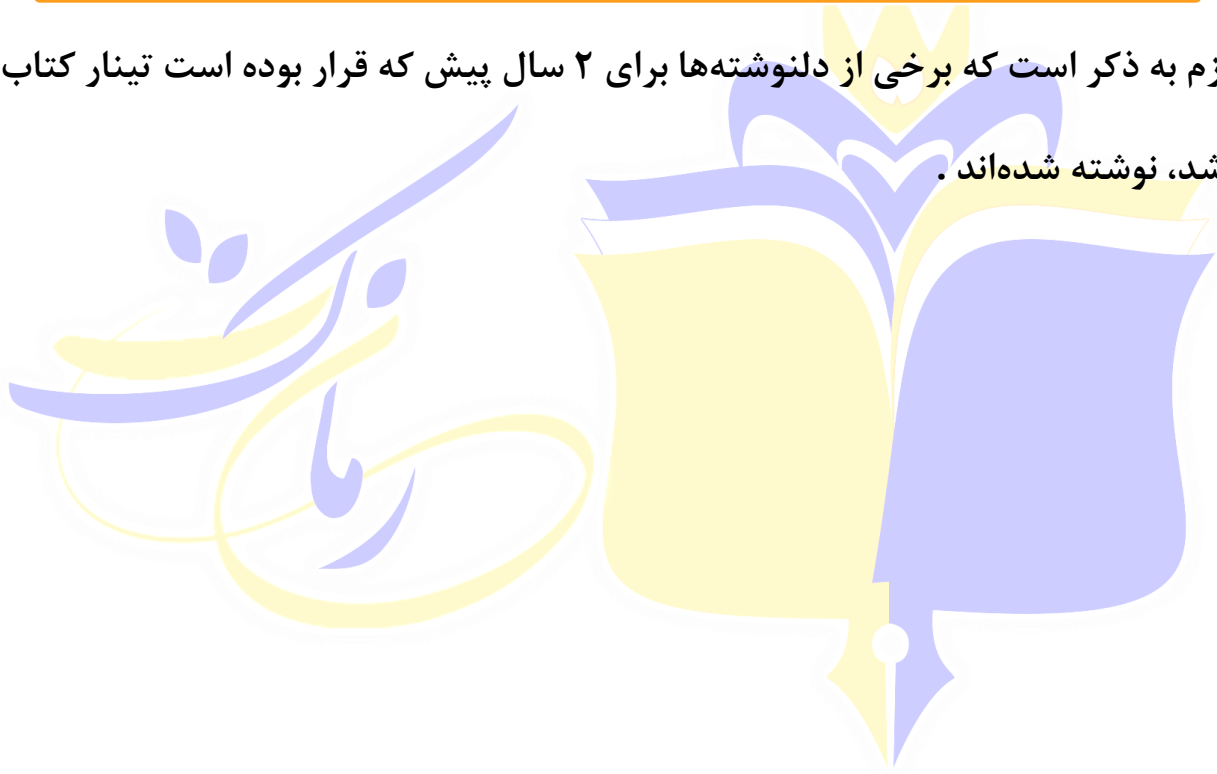
کپیست: ملیکا قائمی

این کتاب در سایت **تک رمان** آماده شده است

www.taakroman.ir

نکته:

لازم به ذکر است که برخی از دلنوشته‌ها برای ۲ سال پیش که قرار بوده است تینار کتاب باشد، نوشته شده‌اند.



تو خودت دلیل آرامشم هستی، وقتی من و تو باهم میتوانیم ما بشویم.
راز های مارا مدیون هست، کسی بگوید زیرا هر دو عاشق و معشوق واقعی هستیم!
اینهمه عشق و خاطره، درون ما زنده اند و فقط با مرگ پایان میابند.
هرکسی لایق داشتنت نخواهد بود، فرد لایق که در قلبش تو را حس کند منم.
زمانی که به تو میگویم، تو را اندازه ی کل دنیا دوست میدارم، این را نیز بدان که اگر ناراحتی سازی،
انگار کل دنیا مرا ناراحت ساخته اند.

زمین گر برای تو باشد، خاکش برای من خواهد بود.
دریا گر برای تو باشد، موج آن برای من خواهد بود.
شب گر برای تو باشد، ماهش برای من خواهد بود.
دنیا گر برای تو باشد، تو برای من خواهی بود.

تمام زندگی ام را میخواهم صرف تو کنم یارم.
در تمام زمانهایی که در زندگی ام بودی، فقط به تو فکر کردم.
تنها چیزی که به یاد دارم این بود که تو را در تمام زندگی ام دارم.
من تو را در تمام طول زندگیم دوست دارم.
و میخواستم که با تمام وجود عاشق تو باشم.
من تو را در تمام لحظات زندگیم برای خودم میخواستم.
من احساس می کنم که تو را بسیار دوست دارم.
من همه لحظات زندگی ام را برای تو می خواهم.
یارم مرا در تمام لحظه های زندگی ام دوست داری.
تو مرا در تمام لحظه های زندگیم در آغوش می گیری.
تو مرا با تمام وجودم دوست داری.
تو مرا با تمام وجود عاشق خودت می دانی و احساس می کنی که دوستت دارم.

من عاشق تو هستم.

من تمام لحظه‌های زندگی ام را برای تو خواهم گذرانید.

من هر لحظه‌ای را که در زندگی ام برای تو سپری می‌کنم به عشق تو سپری خواهم کرد.

ای دلبر من ای زیبای من

ای تو که خلوت نشینی بیا که باید کنار من نشینی

تو که میتوانی راحت بر رنج و غم من افزون کنی ، این کار نمیکنی زیرا میدانی عاشق ترین عاشق دنیا

منم

هزار بار عاشقت شدم و عشق گناه نیست ، چون دلبر من از هزار معشوق ، معشوق تر است

لعل تو برای من شیرین است ، وای که چشم تو بر من خنجر زده است

تو که قامتت بلای جان من خواهد بود ، بر قامتت میتوانم تکیه کنم

هرچند که من گناهکارم ای دلبرم ، لیکن تو کریم و مهربان من هستی

همیشه به تو گویم ، عشق بلایی است که تو بر جان من دادی ، این بلا شیرین ترین بلا است

هر روز هزاربار گویم ، ترسم که رسد به سر زمان من ، در آن موقع با حس عاشقی نیز خواهم مُرد.

ماه، همیشه در تاریکی شب‌ها برایم نوری بود. نوری که دلم را به آرامش می‌آورد و احساس می‌کردم

که همه چیز در جهان ممکن است. او را دوست داشتم، با عشق و وفاداری که فقط ماه می‌توانست به

من بدهد.

اما او همیشه دور از دسترس بود. همیشه در فاصله‌ای که نمی‌توانستم پشت سر بگذارم. همیشه در

آسمان بود، در حالی که من در زمین بودم و تلاش می‌کردم تا به او برسم. او مرا به خود جذب کرده

بود، اما هرگز به من نزدیک نمی‌شد.

گاهی اوقات فکر می‌کردم که ماه همچون من است. تنها و تنها در جستجوی عشق و ارتباطی که هرگز

نخواست به من بسازد. اما من همچنان او را دوست داشتم، با تمام وجودم، با تمام آرزوهایم.

اما حالا ماه رفته است. گردونه شب خود را به سوی دیگری چرخانده است و من تنها مانده‌ام. مانده‌ام با خاطرات زیبایی که با ماه داشتیم و احساس تلخی که از این دوری به من می‌دهد. آیا ماه هنوز هم به من فکر می‌کند؟ آیا هنوز هم در آسمان است و نگاهش به من است؟ یا اینکه همانند من، اکنون در تاریکی تنهایی غرق شده است؟

من باور دارم که هرگز دیر نیست. شاید یک روز، ماه به من برسد و من بتوانم در آغوشش بخوابم. شاید آن روز، تاریکی شب‌ها به نور عشق تبدیل شود و من دوباره بتوانم عاشقانه با ماه زندگی کنم.

در دل شب‌های تاریک،
وقتی که سکوت، تنها همدم است،
عشق تو، همچون ستاره‌ای درخشان،
در آسمان قلبم می‌درخشد.

چشمانت، دریای بی‌کرانی از احساس،
که در آن غرق می‌شوم،
و لبخندت، نغمه‌ای شیرین،
که در گوشم زمزمه می‌کند.

عشق تو، بادی است که در موهایم می‌وزد،
و عطر حضورت، گلی است که در باغ وجودم شکوفا می‌شود.
هر لحظه با تو بودن،
لحظه‌ای از بهشت است.

دست‌های تو، پل‌هایی به سوی رویاهایم هستند،

و هر بار که به تو نزدیک می شوم،
 دنیا رنگ و بویی تازه می گیرد.
 عشق ما، داستانی است بی پایان،
 که هر روزش را با عشق می نویسیم.

اگرچه زندگی پر از چالش هاست،
 اما عشق ما، چراغی است که راه را روشن می کند.
 با تو، حتی تاریکی ها هم زیباست،
 چون در کنار تو،
 من همیشه احساس روشنی می کنم.

پس بگذار تا این عشق را در دل نگه داریم،
 تا هرگز فراموش نشود.
 چرا که تو و من،
 دو روح هستیم در یک سفر بی پایان.

و عشق ما، سرودی است که تا ابد در قلب هایمان طنین انداز خواهد بود.

در دل شب های بی ستاره،
 عشق تو، چراغی است که هرگز خاموش نمی شود.
 چشمانت، دو دریاچه ی آرام،
 که در عمقشان رازهای بی پایان زندگی نهفته است.

هر بار که نامت را بر زبان می آورم،

گویی نسیم بهاری می‌وزد،

و گل‌های عشق در دل باغ وجودم شکوفا می‌شوند.

تو، نغمه‌ای هستی که در گوشم می‌پیچد،

و هر نتش، دلم را به ر*ق*ص درمی‌آورد.

با تو، زمان متوقف می‌شود؛

لحظه‌ها به طلا تبدیل می‌شوند

و هر ثانیه، یادگاری از عشق جاودانه‌ات در قلبم می‌سازد.

دست‌هایت، همچون دو پرنده‌ی آزاد،

به دور من می‌چرخند و آرامش را به من هدیه می‌دهند.

عشق تو، قصه‌ای است که هر روز در آن زندگی می‌کنم؛

با هر لبخندت، دنیا رنگی‌تر می‌شود

و با هر نگاهت، آسمان پر از ستاره می‌گردد.

تو همان شعری هستی که در دل هر عاشق جا دارد،

و من، شاعر بی‌نوا، در جستجوی قافیه‌های توام.

بی‌تو، زندگی مانند کتابی است بی‌صفحه؛

اما با تو، هر کلمه داستانی تازه می‌شود.

عشق ما همچون رودخانه‌ای است که به دریا می‌ریزد،

بی‌پایان و آزاد، و پر از زیبایی‌های ناشناخته.

پس بگذار در این سفر بی‌پایان عشق،

دست در دست هم قدم برداریم؛
و با هر گام، دنیای جدیدی بسازیم
که در آن فقط تو و من باشیم و هیچ کس دیگر.

در آغوش تو، همزمان سردی و گرما را حس می‌کنم؛
عشق، پارادوکسِ زیبای زندگی است.
چشمانت، دریاچه‌ای از آرامش و طوفان،
که در عمق آن، رازهای ناگفته‌ای خوابیده است.

هر کلامت، نغمه‌ای در دل تاریکی،
که در آن، روشنیِ عشق می‌رقصد.
تو، غم و شادی را به یکدیگر گره می‌زنی،
و من، در این گره‌های عاشقانه گم می‌شوم.

دست‌هایت را که می‌فشارم،
حس می‌کنم زمان ایستاده است؛
لحظه‌ها، جناسِ بی‌پایانی از عشق‌اند،
که در آن، هر ثانیه یک شعر تازه می‌شود.

با تو بودن، یعنی در دنیای دوگانه‌ی عشق زندگی کردن؛
جایی که هر خداحافظی، آغاز یک دوباره است.
عشق تو، آتش و آب را همزمان در من شعله‌ور می‌کند،
و من در این آتشِ بی‌پایان، سوزانده می‌شوم و زنده.

به یاد تو، شبها ستاره‌ها را می‌شمارم؛
 هر یک، قصه‌ای از عشق را به یاد می‌آورد.
 تو، معما و پاسخ تمام سوالات قلبی‌ام هستی؛
 و من در این معما، همیشه عاشق‌تر می‌شوم.

پس بگذار در این دنیای پر از تضادها،
 عشق‌مان را با واژه‌ها بسازیم؛
 چرا که هر کلمه‌ای که از دل بر آید،
 پاسخی است به صدای سکوتِ عاشقانه‌ی ما.

آغ و*ش تو، پناهی برای دل خسته‌ام
 ب*وسه‌ای که بر لبانت می‌نشیند، شوقی است تمام‌نشدنی

پیش چشمانت، دنیا رنگی‌تر می‌شود
 تپش قلبم، موسیقی عشق توست در هر دم

ثانیه‌ها در کنارت، با عشقت می‌گذرد
 جاده‌های زندگی، با تو زیباتر می‌شود

چشم‌هایت دریایی از رازهای نهان است
 حضور تو، روشنایی‌ست در تاریکی شب

خواب‌هایم پر از تصویر توست، ای عشق
دل‌م برای صدایت، همیشه تنگ است

ذهنم پر از یاد تو، همچون آفتاب در دل
رنگ عشق تو در جانم، همیشه زنده است

زخم‌های گذشته را با تو فراموش می‌کنم
ژرفای وجودت، آرامش بی‌پایان است

سکوت شب، نغمه‌ای از عشق توست
شعله‌های قلبم با نام تو روشن می‌شود

صدا کن مرا، ای عشق جاودانه
ضربان قلبم، همواره در انتظار توست

طعم لبخندت، شیرینی زندگی من است
ظرف وجودم پر از عشق و امید و آرزوست

عشق تو در دل من، چون گلی در بهار
غنچه‌ها می‌شکفند با یاد تو هر بار

فصل‌ها می‌گذرد اما عشق ما پایدار است
قلبم به یاد تو، همیشه در آ*غ*و*ش قرار است

کلامت نغمه‌ای است که در گوشم می‌پیچد
گویی هر لحظه با تو، زندگی نو می‌شود و می‌سازد

لحن صدایت، همچون نسیم بهاری
مرا می‌برد به دنیایی پر از عشق و امید

نمی‌توانم بدون تو یک لحظه بمانم
و با یاد تو در خواب، همیشه می‌درخشم

هزاران ستاره در آسمان می‌درخشند همچو
یاد تو در دل من، همیشه زنده و روشن است.

دلبر جان، ای نور چشمان من
دلدار منی، در این دنیای سرد و بی‌رحم

دل‌تنگ توام، ای معشوق بی‌نظیر
عاشق توام، در هر لحظه و هر دم

مجنون شدم از عشق تو، جانان من
دل در گروی تو، ای زیباترین خواب

هر بار که می‌نگرم به چهره‌ات

دل می لرزد، ای دلبر جان، ای عشق ناب

در آ*غ*و*ش تو، می یابم آرامش
دل ها به هم پیوند خورده اند، ای دلدار

با تو در این دنیا، هیچ غمی نیست

عاشقانه هایمان، جاودانه و بی پایان

ای دلبر جان، همیشه در کنارم باش

که دلتنگی هایم را با عشق تو می کشم.

این فایل در سایت تک رمان تایپ و منتشر شده است، هرگونه کپی برداری پیگرد قانونی دارد
برای منتشر کردن آثار خود به سایت تک رمان مراجعه کنید

TaakRoman.IR
Forums.TaakRoman.IR